



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



10 جنوری 2026

ارسالی: داکتر سید عبدالله کاظم

## دکترین "مونرو" و گسترش آن به "دونرو"

امروز در صفحه فیسبوک "خانه افغان Afghan House" مطلبی را درباره "دکترین مونرو" خواندم و به دلیل انعکاس آن در رسانه ها ، لازم دیدم متن آنرا عیناً اقتباس و خدمت علاقمندان عزیز در این پورتال تقدیم دارم:

در روزهای اخیر در اخبار و رسانه‌های اجتماعی پیرامون «دکترین مونرو (Monroe Doctrine)» و بازگشت آن در سیاست خارجی آمریکا زیاد صحبت شده به‌ویژه با توجه به تحولات جدید در آمریکای لاتین و سیاست‌های دولت ایالات متحده که برخی آن را به‌عنوان نسخه‌ای مدرن از این دکترین تعبیر می‌کنند (مثلاً اصطلاح رسانه‌ای مثل «دکترین دونرو» یا (Donroe Doctrine) که نشان‌دهنده رویکرد جدید و آشننگتن نسبت به هژمونی منطقه‌ای است [OBJ]).

در ادامه به‌صورت همه‌جانبه و تحلیلی درباره دکترین مونرو از تاریخچه تا معنا، تحولات، کاربردها، نقدها و نقش آن در سیاست معاصر را توضیح می‌دهم

۱. دکترین مونرو چیست؟

دکترین مونرو یک سیاست یا خط‌مشی رسمی خارجی ایالات متحده است که برای نخستین بار در ۲ دسامبر ۱۸۲۳ توسط جیمز مونرو، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، در پیام سالانه خود به‌کنگره آمریکا اعلام شد [OBJ].

این دکترین در اصل چهار بند مهم داشت [OBJ]:

1. غیرمداخله در امور اروپا: آمریکا در مناقشات میان کشورهای اروپایی شرکت نمی‌کند [OBJ].
2. هیچ قدرت اروپایی نباید در نیمکره غربی (قاره آمریکا) مستعمره جدید ایجاد کند [OBJ].
3. هر تلاش اروپا برای بازگرداندن یا توسعه استعمار در کشورهای تازه استقلال‌یافته آمریکای لاتین تهدیدی علیه امنیت آمریکا است [OBJ].
4. ایالات متحده حاکمیت مستقل آمریکای لاتین را به‌طور رسمی می‌پذیرد و دخالت در آن نمی‌کند.

[OBJ]

این دکترین یک «اعلامیه سیاست خارجی» بود نه یک معاهده‌ای الزام‌آور طبق قوانین بین‌المللی [OBJ].

۲. هدف اصلی اعلام و زمینه تاریخی

در اوایل قرن نوزدهم، بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین تازه از استعمار اسپانیا و پرتغال استقلال یافته بودند و نگرانی‌هایی وجود داشت که قدرت‌های اروپایی دوباره بخواهند وارد این منطقه شوند.

[OBJ]

ایالات متحده که خود زمانی قدرت نوپایی بود، این دکترین را برای جلوگیری از بازگشت امپریالیسم اروپایی و تثبیت نفوذ خود در نیمکره غربی اعلام کرد [OBJ].

۳. تحول و کاربرد دکترین در تاریخ

الف) از دفاع به دخالت‌گری

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

در بدو امر، دکترین مونرو جنبه‌ای دفاعی و ایدئولوژیک داشت، اما با گذشت زمان و افزایش قدرت آمریکا، به یک ابزار عملی برای نفوذ در آمریکای لاتین تبدیل شد [OB]. نمونه مهم این تحول، «کرو لاری روزولت (Roosevelt Corollary)» بود که در ۱۹۰۴ توسط تئودور روزولت اضافه شد و ادعا کرد که آمریکا حق دارد در مواردی که دولت‌های آمریکای لاتین «به‌طور مزمن ناتوان» هستند، به‌عنوان «پلیس بین‌المللی» دخالت کند [OB]. این تفسیر «پلیسی» بعدها زمینه‌ساز مداخلات نظامی آمریکا در کشورهای مختلف آمریکای لاتین، از جمله جمهوری دومینیکا، نیکاراگوئه، هائیتی و کوبا شد [OB].

۴. دکترین مونرو در دوره معاصر  
دکترین مونرو در قرن بیستم و بیست و یکم همچنان یکی از اصول سیاست خارجی آمریکا بوده، اگرچه در دوره‌های مختلف به اشکال متفاوتی اجرا شده است [OB]. در دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم، این دکترین کمتر به‌عنوان توجیه مداخله نظامی مطرح شد و تمرکز بیشتری بر همکاری میان‌آمریکایی قرار گرفت؛ از جمله از طریق سازمان کشورهای آمریکایی (OAS). در دهه‌های اخیر، به‌ویژه با بازگشت رویکردهای تهاجمی در سیاست خارجی، نام و مفهوم این دکترین بار دیگر برجسته شده است — مثلاً دولت ایالات متحده در سند‌های امنیت ملی اخیر به بازتعریف و احیای آن پرداخته است.

۵. بازتعریف معاصر: «دکترین دونرو (Donroe Doctrine)»  
در خبرهای چند روز اخیر، رسانه‌ها از نسخه‌ای جدید و تهاجمی‌تر از دکترین مونرو صحبت می‌کنند که برخی آن را به‌عنوان «Donroe Doctrine» ترکیب نام دونالد + مونرو) توصیف کرده‌اند — نشان‌دهنده رویکرد فعلی سیاست خارجی آمریکا در آمریکای لاتین و تلاش برای بازگرداندن تسلط منطقه‌ای است [OB].

این نسخه جدید، به‌جای تأکید بر جلوگیری از اتحادیه‌های استعماری اروپایی، بر حفظ و حتی گسترش نفوذ آمریکا علیه هر نفوذ خارجی (از جمله چین و روسیه) تأکید دارد، و در مواردی به‌صورت مداخلات مستقیم نظامی یا فشار سیاسی و اقتصادی نیز نمایان شده است [OB]. این رویکرد جدید باعث واکنش شدید در سطح جهانی شده است، چون منتقدان می‌گویند چنین سیاستی عملاً به امپریالیسم منطقه‌ای می‌انجامد و منافع ملی کشورها را نادیده می‌گیرد [OB].

۶. نقدها و تحلیل‌های حقوق بین‌الملل:  
از دید حقوق بین‌الملل و تحلیل‌های انتقادی، دکترین مونرو به‌طور ذاتی عمل‌گرایانه و یک‌جانبه بوده است و هیچ مبنای الزام‌آوری در قوانین بین‌الملل ندارد [OB]. حامیان حقوق بین‌الملل می‌گویند این دکترین در عمل باعث مداخله، نقض حاکمیت ملی و حتی تسلط نظامی بر کشورهای دیگر شده است، و با اصول عدم مداخله و برابری حاکمیت دولت‌ها در منشور سازمان ملل متحد در تضاد است [OB].

۷. اهمیت تاریخی و تأثیرات گسترده  
دکترین مونرو یکی از سنگ‌بنای‌های اصلی سیاست خارجی آمریکا در طول دو قرن گذشته بوده و مسیر روابط آمریکا با کشورهای آمریکای لاتین را شکل داده است [OB]. از یک اعلامیه نسبتاً ساده برای جلوگیری از استعمار اروپایی، به ابزاری برای نفوذ و مداخله تبدیل شد، و تا امروز بحث‌های زیادی درباره نقش مثبت یا منفی آن در تاریخ و ژئوپلیتیک وجود دارد [OB]. جمع‌بندی:

دکترین مونرو در اصل سیاستی بود برای جلوگیری از حضور قدرت‌های اروپایی در قاره آمریکا، اما با گذشت زمان، تبدیل به ابزاری برای ایالات متحده جهت تثبیت نفوذ خود در آمریکای لاتین شد.

در وضعیت کنونی نیز این دکتريں بار ديگر برجسته شده و با رويکردهای جديدتری در سياست امنيت ملی آمريکا تلفيق شده و بحث‌های جدی درباره معنای آن در جهان امروز را به وجود آورده است؛ موضوعی که باعث واکنش‌های سياسی، حقوقی و بين‌المللی شده است.

آرشيف: مطالب ديگر محترم داکتر سيد عبدالله کاظم

---

د پانو شميره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راپرلو مخکې په ځير و لولئ